

مقاله تحقیقی

دانش بومی مرتبط با واژه‌های گیلکی جانوران اهلی و وحشی در دهستان بی بالان، بخش کلاچای، گیلان

قاسم حبیبی بی بالانی^{۱*}، فاطمه موسی زاده صیاد محله^۲

۱. گروه کشاورزی و منابع طبیعی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر، شبستر، ایران

*مسئول مکاتبات: آدرس الکترونیکی: habibibalani@gmail.com

محل انجام تحقیق: گروه کشاورزی و منابع طبیعی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۸

چکیده

دانش بومی بخشی از اطلاعات غیرمکتوب میان اقوام مختلف است که به صورت سنتی در یک منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد. بخشی از این دانش مربوط به استفاده‌های مختلف اقوام از محیط‌زیست پیرامون سکونتگاه‌ها می‌باشد. جانوران اهلی و وحشی بخش قابل توجه‌ای از این محیط‌زیست پیرامون می‌باشند. از آنجایی که منطقه مورد مطالعه محیط روستایی است و در حاشیه جنگل قرار دارد. همچنین، کشاورزی عمده فعالیت ساکنان این منطقه می‌باشد، برای جانوران اهلی و وحشی واژه‌های گیلکی متنوع و پرکاربردی در منطقه وجود دارد. در مجموع، در این تحقیق ۳۸۷ واژگان تخصصی مرتبط با جانوران اهلی و وحشی و شکار گردآوری شده است. با ثبت این واژگان تخصصی می‌توان مانع از به فراموشی سپردن آنها توسط نسل کنونی که چندان علاقه‌ای به گویش به لهجه گیلکی به عنوان زبان مادری ندارند، شد و حتی امیدوار بود تا مورد استفاده نسل‌های آینده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: گیلان، بی بالان، دانش بومی، جانوران، گیلکی

مقدمه

حیوانات، شیوه بهره‌برداری و حتی شیوه شکار شده است (۲،۳). ایران با توجه به گسترش قوم‌های مختلف و در پی آن گویش‌های مختلف، دارای تنوع زیادی در گویش‌ها و لهجه‌های می‌باشد. به صورت کلی گویش‌ها و زبان‌های محلی به عنوان یک راهکار منسجم به منظور هماهنگی و ارتباط بین گویشوران در داد و ستدها و مراودات روزانه مورد استفاده قرار می‌گیرد که در آن لغات و اصطلاحات خاص آن گویش در گفت و گوها مورد استفاده قرار می‌گیرند. این لغات و اصطلاحات هرچند از نظر شباهت با لغات عمومی در گفت و شنودها مورد استفاده قرار می‌گیرند، ولی از نظر تاریخی دارای یک پشتوانه با قدرت و اصیل از تجربیات گسترده میدانی ناشی از سعی و

بشر در اقوام مختلف به منظور استفاده‌های گوناگون از حیوانات در دوران‌های مختلف اقدام به بهره‌برداری از جانوران نموده است. این کاربری‌ها در دوران‌های متفاوت دچار تغییراتی شده اند (۱). عمده بهره‌برداری بشر از حیوانات شامل شکار و رام کردن آنها به منظور استفاده‌های گوناگون پرورشی و نگهداری شامل تولید گوشت، تخم و نیز باربری و سوارکاری و غیره می‌باشد. در همین راستا در طی دوران‌های مختلف در هر قوم بنا به میزان وابستگی اعضای آن قوم به حیوانات، اقدام به استفاده از اصطلاحات تخصصی همان منطقه در غالب لغات و اصطلاحات محلی مورد استفاده برای اسامی

خطاهای پیشینیان می‌باشند. این کسب تجربیات می‌تواند در مواردی فراوانی باعث از دست رفتن عزیزی از آن گروه منجر شده باشد.

به کلیه داده‌ها و دانش غیر مکتوبی که در قوم‌های مختلف به صورت شفاهی و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود دانش بومی گفته می‌شود. این دانش اغلب از روی تجربیات چندین نسل از محیط اطراف که با سعی و خطای فراوان به دست آمده اندوخته شده و به عنوان بخشی از سنت آن قوم شناخته می‌شود (۴). با توجه به حساسیت خاصی که این اقوام در زندگی طبیعی و سنتی که در محیط طبیعی دارند دارای تجربیات ارزنده و منحصر به فردی می‌باشند که با ثبت و انتشار این تجربیات در غالب تحقیقات دانش بومی بسیاری از خلائای علمی بابت استفاده از اصطلاحات علمی تخصصی در جوامع مختلف اعم از منطقه‌ای، ملی و گاه بین‌المللی پر نماید (۴). از آنجایی که دانش بومی از تعامل، سعی و خطای‌های گسترده طولانی مدت گویشوران با محیط زیست آنان می‌باشد، این دانش را راهگشای بسیاری مشکلات موجود در هر قوم شناخته می‌شود. تمام دانش بومی موجود در یک قوم توسط گذشتگان و نیاکان هر قوم مورد آزمایش قرار گرفته و پذیرفته شده است، در صورت انتقال آن به نسل جدید به سهولت و بدون هیچ گونه نگرانی قابل پذیرش و استفاده می‌باشد. این دانش ناشی از مشاهدات با دقت، عمیق و در عین حال گسترده در طول زمان در مورد پیرامون هر قوم شامل، گیاهان، پرندگان، جانوران، آفات و امراض، کاربری‌های مختلف زمین، وسایل و ادوات کاربردی و منطقه ای، نوع خاک آن منطقه می‌باشد (۵،۶). این دانش از زوایایی موشکافانه و دقیق به شیوه زندگی و محیط اطراف نظر دارد، می‌تواند بسیار گسترده‌تر و دقیق‌تر اقدام به دسته‌بندی عوامل مختلف اطراف خود نماید. از منظر دیگر این دانش از نیازهای به‌وجود آمده در دوران‌ها و اعصار مختلف سرچشمه گرفته، به طبع خود مناسب‌ترین و سازگارترین دسته بندی‌ها برای محیط پیرامون خود را به همراه دارد. تمامی این دانش انباشته شده و منتقل شده به صورت غیر مکتوب از یک نسل به نسل بعد اگر با نیازهای کنونی جامعه در آن دیار مطابقت داشته باشد می‌تواند حلال بسیاری از مشکلات جوامع علمی و غیر علمی عصر حاضر گردد (۷). لذا ثبت و حفاظت از این مفاهیم که به عنوان

میراث معنوی هر قوم می‌تواند تلقی گردد، در انتقال مفاهیم مختلف در فعالیت‌های کشاورزی و منابع طبیعی و کاربرد آن به منظور ایجاد محور اصلی توسعه آن منطقه گردد (۸). در دانش بومی اصل در انتقال سینه به سینه اندوخته‌ها و تجربیات میدانی از یک نسل به نسل دیگر می‌باشد در این میان اگر به هر دلیلی بدون این که این دانش به نسل جدید منتقل گردد، با درگذشت پیری و کهنسالی از یک قوم مقدار فراوانی از این دانش بدون انتقال از بین رفته و غیر قابل انتقال می‌گردد و رشته انتقال دانش بومی در آن قوم به این طریق گسسته می‌گردد (۱۰،۹). روستائیان مناطق مختلف در جای جای کشور، در طول سالیان طولانی و با سعی و خطا و گاه پرداخت هزینه جانی عزیزان و نزدیکان اقدام به اندوخته نمودن دانش بومی ارزشمند برای فعالیت‌های روزمره خود نموده‌اند که به عنوان پتانسیل بسیار ارزشمند و نیز سرمایه فرهنگی و اجتماعی آن دیار به شمار می‌روند (۱۱)، (۱۲). برای گویش‌ها و لهجه‌های مختلف استان گیلان تاکنون اقدامات ارزشمندی مبنی بر جمع‌آوری و ثبت لغات و اصطلاحات برای مناطق مختلف گیلان انجام شده است که از آن جمله می‌توان به Soutoudeh (۱۳)، Mouradian Garousi (۱۴)، Mozafari (۱۵)، Noursati و Yousef Nezhad (۱۶)، Sabzalipour (۱۷)، Bourhani Nia (۱۸)، Ashouri (۲۰)، Sabzalipour (۱۹)، Ashouri (۲۰) و Addous (۲۱) و Kabouli و همکاران (۲۲) نام برد. از آنجایی که گویش‌ها و تلفظ‌ها و حتی اصطلاح‌های بسیاری در استان گیلان می‌توان یافت که از یک روستا به روستای دیگر تغییرات بسیار قابل توجه به خود می‌گیرد و گاه به کلی مفاهیم به صورت بنیادی تغییر می‌کند برای اصطلاحات مورد استفاده نیاز است که به صورت جامع در هر دهستان اقدام به ثبت باورها و خرد گویش‌های گردد (۵). با توجه به مطالب ذکر شده، در این تحقیق هدف بررسی و جمع‌آوری اسامی مورد کاربرد برای جانوران مختلف و نیز شکار در منطقه مورد مطالعه (دهستان بی بالان) کاربرد دارد، می‌باشد. از آنجایی که از گویشوران لهجه گیلکی در منطقه بی بالان روز به روز به دلایل مختلف کاسته می‌شود و با فوت هر کهنسال و با تجربه این منطقه به ناچار به تدریج این لغات و اصطلاحات کاربردی از گفتگوی‌های روزانه حذف می‌شوند، محققین

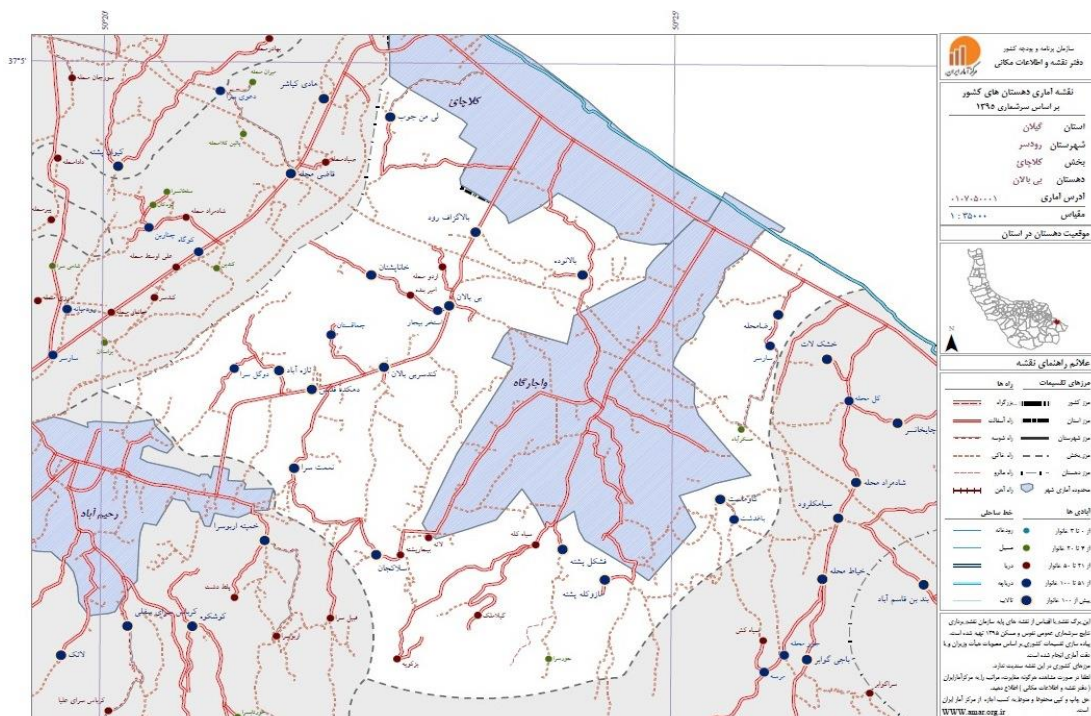
شرقی و ۳۷ درجه و ۰۳ دقیقه عرض شمالی و در ارتفاع صفر از سطح دریاهای آزاد واقع شده است. دهستان بی-بالان شامل روستاهای بی-بالان، کندسر بی-بالان، چماقستان (بهارسرا)، دهکده قدس، تازه آباد، دوگل سرا، نعمت سرا، استخر بیجار، امیربنده، اردومحله، خانایشتان، بالاگزارفرد، بالا نوده، لی مینجوب، سلاکجان، بیجارپشته، لاتنه (سلاکجان)، سیاه کله، گیل ملک، بزکوبه، فشکل پشت، مازو کله پشت، باغدشت، گاوماست، عسکرآباد و رضا محله می‌باشد (۲۳، ۲۴).

را بر آن داشت که اقدام به جمع آوری و ثبت آنها به صورت مقاله علمی و مکتوب نمایند.

مواد و روش ها

منطقه مورد مطالعه

دهستان بی-بالان با مرکزیت روستای بی-بالان در محدوده شهرستان رودسر و در حدود ۲۰ کیلومتری شهر رودسر و ۸۵ کیلومتری شرق شهر رشت (مرکز استان گیلان) در موقعیت جغرافیایی ۵۰ درجه و ۲۳ دقیقه طول



شکل ۱: محدوده دهستان بی بالان (۲۵).

روش مطالعه

برای مطالعه اصطلاح‌های تخصصی جمع‌آوری شده در این تحقیق از آنجایی که محققین این مطالعه خود گویشور لهجه گیلکی می‌باشند، ولی به منظور استفاده از یک روش علمی و مدون اقدام به تهیه فرم و جدول مخصوص برای جمع‌آوری گردید که به صورت پرسش رو در رو یا به صورت جمع‌بندی اطلاعات بعد از تکمیل فرم‌ها صورت گرفت. از آنجایی که محققین اصلی علاوه بر گویشور بودن این لهجه، دانش آموخته رشته‌های منابع طبیعی هم می‌باشند، از روی علاقه شخصی از حدود دو

دهه پیش به جمع‌آوری اصطلاح‌های مربوط به رشته مرتبط در گویش گیلکی دهستان بی-بالان اقدام شده است ولی به منظور مدون نمودن و نیز کنترل چگونگی تلفظ و نیز جمع‌آوری اصطلاح‌های اصیل گیلکی که امروزه کاربرد کمتری دارند، از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ اقدام به جمع‌آوری و مصاحبه از افراد با سابقه در شغل کشاورزی و دامپروری و محلی اقدام نمودند. در این مصاحبه‌ها از شیوه پرسش و ساختار یافته که از قبل محقق سوالاتی را به منظور دستیابی به اصطلاح‌های مورد نظر و تخصصی رهنمون می‌ساخت، از پرسش شونده سوال گردید. به عنوان نمونه

در منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرند در این دسته‌بندی قرار داده شدند. مانند گل جیک، لاس، عسل میم، مگز زیه، اسب مگز و غیره. در بخش مربوط به شکار تمامی اصطلاحها و لغاتی که برای فعالیت شکار پرندگان و جانوران وحشی مورد استفاده قرار می‌گیرد در این دسته قرار گرفتند که شامل وسایل مورد استفاده در شکار و نیز شیوه‌های مختلف شکار در این دسته قرار گرفت مانند سیکه دن، واو خوردن، رزین، درشون، دار دُوم و غیره. در بخش مربوط به سایر موارد مرتبط با جانوران اصطلاحهایی که به صورت عمومی برای جانوران پرندگان چه اهلی و چه وحشی به صورت مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرد و غیر قابل جدا کردن برای یک دسته خاص بر اساس تقسیم بندی می‌باشد، قرار گرفتند که از آن جمله می‌توان به مواردی مانند نوشخوار، رومه، دُوم و چرسن و غیره نام برد که غیر قابل تقسیم بندی و دسته بندی برای جانوران و حیوانات وحشی یا اهلی می‌باشند و در عین حال در هر دو دسته این جانوران و حیوانات مورد استفاده قرار می‌گیرند.

از آنجایی که هدف از جمع آوری اصطلاحهای کاربردی در فعالیتهای تخصصی دامداری و دامپروری و حیوانات وحشی و نیز شکار بود، سعی شد که مصاحبه شوندگان نیز به صورت تخصصی شاغل در آن شغل و پیشه باشند. به عنوان مثال برای فعالیتهای دامپروری از دامداران سنتی با سابقه، برای فعالیت شکار از شکارچیان با سابقه و خبرگان این فعالیتهای در محل مورد مصاحبه قرار گرفتند. همانگونه که ذکر شد از آنجایی که محققین بومی منطقه مورد مطالعه (دهستان بی بالانی) می‌باشند، در روند مصاحبه و تحقیق روابط صمیمانه موجود بین سوال شوندگان و پرسش شوندگان سهولت دسترسی به اطلاعات دقیق و گسترده تخصصی و تجربی پرسش شوندگان دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. در این تحقیق در طول دوره مطالعه ذکر شده سعی شد که از اصطلاحهای ذکر شده تصاویر واضح و گویایی نیز ثبت گردد تا در زمان مناسب مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت پس از جمع آوری اطلاعات از طریق فرمها و پرسش نامه‌ها محققین اقدام به جداسازی و دسته بندی اطلاعات جمع آوری شده از طریق فیش برداری و دسته بندی اصطلاحها برای گرایشها و تخصصهای مختلف گردید که در این مقاله اصطلاحهای مربوط به جانوران (اهلی و وحشی)، پرندگان

با نشان دادن به عنوان نمونه یک جوجه اردک از پرسش شونده سوال می‌شود که: "ما در بی بالانی به این حیوان چه می‌گوییم؟" که جواب پرسش شونده در این مورد این بود: "بیله وچه". این شیوه برای همه حیوانات، پرندگان و وسایل و ادوات مورد استفاده برای حیوانات اهلی و شکار مد نظر قرار گرفت و جوابهای داده شده توسط پرسش شوندگان فقط یک اصطلاح و شیوه تلفظ آنها بود که ثبت می‌گردید. در ادامه به منظور جمع‌آوری اطلاعات تکمیلی از اصطلاحها محققین اقدام به طراحی سوالات نیمه ساختار یافته که در زمینه رشته تخصصی محققین بود از پرسش شوندگان پرسیده می‌شد که نتیجه این سوال و جوابها توضیحات فنی و تجربی و گاه تاریخی از وسایل و ادوات و نیز شیوه اجرای کارهای تخصصی دامداری و دامپروری و شکار و نیز اصطلاحهایی که امروزه کاربرد کمتری دارد دسترسی یافته و ثبت گردیدند.

در بخش مربوط به پرندگان اهلی تمامی اصطلاحهایی که مربوط به پرندگان اهلی مانند مرغ، اردک، غاز و غیره که به صورت سنتی برای تولید تخم و یا گوشت توسط اهالی نگهداری می‌شوند دسته بندی گردید مانند وازین، کولوش کون، بیلی وچه، غاز مورغانه و غیره. در بخش مربوط به پرندگان وحشی تمامی اصطلاحهایی که مربوط به پرندگان وحشی که در جایگاههای مختلفی مانند جنگل، کنار آبی و یا در کنار ساحل و غیره زندگی می‌کنند در این تقسیم بندی قرار گرفتند مانند آلوغ، بورخوس، جوملجه، دریا سلیم، دال فک و غیره. در بخش مربوط به جانوران اهلی تمامی اصطلاحهایی که مربوط به گاو، گوسفند، اسب و غیره به عنوان جانوران اهلی که مورد بهره برداریهای مختلف توسط ساکنان این منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرند دسته بندی قرار گرفت مانند یاموتن، نیله، لابی، گاب زور، سیا ورزه، چلم، تنگ. در بخش مربوط به جانوران وحشی در این بخش تمامی اصطلاحهایی که مربوط به جانوران و حیوانات وحشی می‌باشد دسته بندی گردید که شامل مکان زندگی، نام جانوران در گویش محلی و غیره می‌باشد مانند گنجه گاو، موش لیک، گرز اوچه، شال کول، خوک پای و غیره. در بخش مربوط به حشرات تمامی اصطلاحهایی که مربوط به حشرات و یا فعالیتهایی که با حشرات مانند زنبور عسل و کرم ابریشم به صورت سنتی

کرکر گوتن / *Kerker gouten* / صدای خاص مرغ خانگی
قبل از تخمگذاری

کوئک / *Koulk* / پرندۀ کرچ

کوئک کرک / *Koulk kerk* / مرغ خانگی کرچ

کوئکابون / *Koulka boun* / کرچ شدن پرندگان

کولوش کون / *Kouloushkoun* / مرغی که جوجه دارد.

کین ترک / *Kin tark* / بیماری اسهال در ماکیان

مورغ / *Mourgh* / اردک هوایی، اردک وحشی

مورقونه / *Mourghoune* / تخم مرغ، به تمام تخم‌های

پرندگان با پسوند "مورغونه" به همراه نام آن پرندۀ اطلاق

می‌گردد. مانند "بیلی مورغونه"

مورقونه پیش / *Mourghoune pish* / پوستۀ تخم مرغ

نیشانن / *Nishanen* / زیر مرغ یا هر پرندۀ کرچ تخم

گذاشتن.

نیمچه / *Nimche* / جوجه مرغ به بلوغ نرسیده

وازان / *Vazan* / نیمه کاره رها کردن، رها کردن تخم‌ها

توسط پرندگان کرچ قبل از جوجه کشی

وازانن / *Vazanen* / منصرف کردن، جلوگیری از کرچ

شدن پرندگان محلی

هراتی کرک / *Harati kerk* / نوعی مرغ خانگی به رنگ

سیاه و سفید

هلی تیتی کرک / *Hali titi kerk* / نوعی مرغ خانگی به

رنگ سیاه و سفید

هیش / *Hish* / صدایی برای ماندن مرغ و اردک و غیره

لغات و اصطلاح‌های مربوط به پرندۀ‌های وحشی

انجیل خوره / *anjil khoure* / که به فارسی به آن پری

شاهرخ گفته می‌شود. نام علمی این پرندۀ *Oriolus*

oriolus از تیره پری‌شاهرخان است. پرندۀ‌ای کوچک و

درخت‌زی که کمی بزرگتر از بلبل است و خوراک اصلی

آن انجیر پخته می‌باشد که در این منطقه به " **آئیل** "

معروف است.

آب بون / *Ab bon* / به فارسی به آن باکلان بزرگ گفته

می‌شود. نام علمی این پرندۀ *Phalacrocorax carbo*

است. پرندۀ‌ای است ماهی خوار به رنگ سیاه و سفید که

حرام گوشت می‌باشد.

(وحشی و اهلی) و حشرات و نیز شکار مورد بررسی و
ارائه می‌گردد.

نتایج

لغات و اصطلاح‌های مربوط به پرندۀ‌های اهلی

بیلی / *Bili* / اردک

بیلی فک / *Bili fak* / آشیانه اردک، لانه تخم گذاری

اردک

بیلی گوشت / *Bili gousht* / گوشت اردک

بیلی مورغانه / *Bili mourghane* / تخم اردک

بیلی وچه / *Bili vache* / جوجه اردک، در مناطقی خارج

از دهستان بی بالان مانند روستاهای اطراف رودسر به

جوجه اردک "بیلی زک" می‌گویند.

تله / *Tale* / خروس و دام برای زندۀ گیری پرندگان

چونکه / *chounke* / جوجه مرغ

خاک ویراشین زان / *Khak virashin zan* / به هم زدن

خاک توسط مرغ یا سگ

روسی کرک / *Rousi kerk* / مرغ شاخدار، مرغ روسی

غاز گوشت / *Ghaz gousht* / گوشت غاز

غاز مورغانه / *ghaz mourghane* / تخم غاز

غاز وچه / *ghaz vache* / جوجه غاز

فک سر نیشتن / *Fak sar nishten* / روی تخم خوابیدن

پرندگان، گُرچ شدن پرندگان

فک واموجا / *Fak vamouja* / جستجوی آشیانه برای

تخم گذاری توسط مرغ

قو / *Gou* / پرهای ریز پرندگان مرغ، اردک و غاز

کاتک / *Katek* / مرغ جوان و یک ساله، مرغ خانگی که

برای اولین بار تخم گذاشته است.

کبتر / *Kabtar* / کبوتر

کرک / *Kerk* / مرغ خانگی

کرک آبله / *Kerk aboule* / آبله مرغان

کرک پَر / *Kerk par* / پرهای بزرگ مرغ

کرک فک / *Kerk fak* / آشیانه مرغ

کرک قو / *Kerk gou* / پرهای ریز مرغ

کرک گوشت / *Kerk gousht* / گوشت مرغ

کرک لونه / *Kerk loune* / لانه مرغ

کرکا گی / *Kerkagi* / مدفوع ماکیان و پرندگان اهلی

خرکله / *Khar kale* / پرنده‌ای دریایی با سر بزرگ‌تر از هم جنس‌های خود.

خوتکه / *Khoutke* / خوتکا یا خوتکای معمولی که نام علمی آن *Anas crecca* و از اردکیان مهاجر است.

خوک چال / *Khok chal* / آبگیری که از شنای خوک‌ها در داخل جنگل ایجاد شده است.

خوک کله / *Khok kale* / بخشی از جنگل که محل زندگی خود می‌باشد.

خوک لوم / *Khok loum* / منطقه پوشیده از بوته‌های تمشک که محل اختفای خوک می‌باشد.

خوموسه / *Khoumouse* / سیهره جنگلی نام علمی *Fringilla coelebs* که با نامهای دیگری همچون بلبل آوازخوان، مرغ قهقهه، خوبسه، بلبل خمسه، کاه‌سهره و پرند برف بانو نیز معروف است به عنوان یکی از پرندگان آوازخوان است. این پرند به اندازه گنجشک و دارای رنگ‌های متفاوت سفید، زرد، قرمز و قهوه‌ای است.

خینه / *Kheyne* / یلوه آبی یا یلوه آبی اروپایی با نام علمی *Rallus aquaticus* پرند آبی کوچکی از تیره یلوه است که پرند‌های که در حاشیه مرداب‌ها زندگی می‌کند و قادر به راه رفتن نمی‌باشد. در گیلکی به این پرند "شل خینه" نیز گفته می‌شود.

دار توک زنه / *Dar touk zane* / دارکوب قهوه‌ای با نام علمی *Jynx torquilla* پرند‌های از سرده دارکوبان راه‌راه در تیره دارکوبیان است.

دال / *Dal* / کرکس سیاه با نام علمی *Aegyptius monachus* گونه‌ای لاشخور بزرگ‌جثه از دودمان قوشیان.

دال خانه / *Dal khane* / نام کوهی در شرق گیلان که آشیانه عقاب می‌باشد.

دال فک / *Dal fak* / آشیانه عقاب سیاه

دالفک / *Dal fak* / آشیانه عقاب، نام کوهی در جنوب رشت.

دریا سلیم / *Darya salim* / پرندگان کوچک که در ساحل دریا زندگی می‌کنند و از "اجیکه" تغذیه می‌کنند و انواع آن شامل آوپیچ، خرکله، سفید، سلیم و نسای می‌باشد.

آلوغ / *Alough* / عقاب، پرندگان شکاری تقریباً درشت جثه

آلوغ فک / *Alough fak* / آشیانه عقاب

آنیل / *Aeil* / مراجعه شود به "انجیل خوره".

بادخوره / *Badkhoure* / پرند‌های که در بهار و تابستان تا اوایل پاییز به استان‌های شمالی مهاجرت می‌کند.

بورخوس / *Bourkhous* / صعوه جنگلی یا صعوه باغی یا گنجشک پرچین با نام علمی *Prunella modularis* که پرند‌های قهوه‌ای رنگ و کوچک که در داخل توده‌های تمشک زندگی می‌کند.

بولبول / *Boulboul* / بلبل پرند‌های با نام علمی *Luscinia megarhynchos*

پیسین کلاچ / *Pisin kalach* / کلاغ سفید، کلاغ پیر

تورینگ / *Touring* / قرقاول

جولمجه / *Joumelje* / گنجشک معمولی یا گنجشک خانگی پرند‌های با نام علمی *Passer domesticus*

جین جیره / *Jinjire* / الیکایی نوعی پرند خیلی کوچک و ریز از تیره *Troglodytidae* که بسیار به سرما حساس می‌باشد.

جین جیره فیس / *Jinjire fis* / مراجعه شود به "جین جیره".

چلچله / *Chel chelae* / پرستو

چلچله فک / *Chel chela fak* / لانه پرستو

چنگر / *Chenger* / پرند‌های آبی از راسته درناسانان (*Gruiformes*) و خانواده چنگریان (*Rallidae*) به رنگ سیاه و دارای نوک و پیشانی سفید رنگ که در فصل زمستان به خصوص در دام‌های ماهی گیری ("پره") مشاهده می‌شود.

چورچه / *Chourche* / پرند‌های کوهستانی با رنگ خاکستری و یا زرد.

چی چی نه / *Chichine* / پرستو که در این منطقه "چلچله" نیز گفته می‌شود.

حاج حاجی / *Haj haji* / پرستو، چلچله

حسن جلویی / *Hasan joulouie* / پرند که به فارسی کشیم بزرگ گفته می‌شود و نام علمی *Podiceps major* است. پرند‌های سیاه و سفید با پرهای نرم و لطیف. این پرند قادر به راه رفتن در خشکی نمی‌باشد ولی شناگر ماهری در آب می‌باشد.

سیتکه / *Sitke* / یلوه خالدار با نام علمی *Porzana porzana* پرنده کوچک آبچری از تیره یلوه است که در باتلاق‌ها و جنگزارهای مناطق معتدل زندگی می‌کند. در گیلکی به فرد چابک و تند تیز اطلاق می‌گردد.

سیتنه / *Site* / پرنده سار

سیکه / *Sike* / مرغابی سَرَسَبز با نام علمی *Anas platyrhynchos* که اردک سرسبز نیز گفته می‌شود، پرنده‌ای از گروه اردکیان روی آبچر است. نوعی مرغابی وحشی که نر آن دارای گردن سبز و قرمز می‌باشد.

سینه سورخه / *Sina sourkhe* / مراجعه شود به "زی‌زه".

شال واغ / *Shal vagh* / حواصیل شب با نام علمی *Nycticorax nycticorax* از تیره حواصیلان است.

شل خینه / *Shel kheyne* / مراجعه شود به "خینه".

شو جغد / *Shou joughd* / مُرغ حق یا هوگویک یا چوک با نام علمی *Otus otus* سرده‌ای از پرندگان خانواده جفندان است. پرنده‌ای شبیه به جغد بروی درختان آزاد می‌نشیند. در گیلکی به آن "کوک" نیز گفته می‌شود.

شونه به سر / *Shoune besar* / پرنده هُدُهد

غاز هوایی / *Ghaz havaie* / غاز وحشی

قره غاز / *Ghara ghaz* / مراجعه شود به "آب بون".

قوش / *Ghoush* / باز یا شاهین دست آموز

کاسه جيله / *Kasa jile* / کشیم گردن سیاه یا سیاه‌کشیم با نام علمی *Podiceps nigricollis* که از پرندگان آبی است.

کاکایی / *Kakaei* / مرغ نوروزی، پرنده‌ای به رنگ خاکستری و سفید که از پرندگان ماهی خوار در ساحل دریا و مرداب‌ها می‌باشد.

کراکوره / *Kara koure* / زنبورخواران با نام علمی *Meropidae* از راسته سبزی‌قاسانان است.

دومبلاسنه / *Doumblaskene* / دم‌چنبانک سفید با نام علمی *Motacilla alba*، پرنده‌ای کوچک به رنگ آبی خاکستری. به دلیل این که این پرنده دم خود را زود به زود تکان می‌دهد و بالا و پایین می‌برد به این نام خوانده می‌شود.

رابشکن / *Rabeshken* / توکای باغی یا توکای آوازخوان با نام علمی *Turdus philomelos*، پرنده‌ای به اندازه سار و به رنگ گنجشک، این پرنده از حلزون بدون فلس تغذیه می‌کند.

زرج / *Zarej* / کبک با نام علمی *Perdicinae* پرندگانی از تیره قرقاولان

زرد بلبل / *Zarde boulboul* / نوعی بلبل زرد رنگ

زرد ملجه / *Zarde meljea* / گنجشک زرد رنگ که دارای صدای زیبایی است و بر اساس همین نوا و صدا آهنگ زیبای زرد ملجه استاد ابوالحسن صبا ساخته شده است. این آهنگ در مناطق کوهستانی نواخته می‌شود.

زی‌زه / *Zizea* / پرنده که به گیلکی "سینه سورخه" نیز گفته می‌شود. سهره سینه سرخ که نام علمی *Carduelis cannabina* می‌باشد.

سیرت / *Seret* / توکای سیاه یا توکای معمولی با نام علمی *Turdus merula* پرنده‌ای از سرده توکا که هم اندازه سار و به رنگ قهوه‌ای و سیاه است.

سفید سلیم / *Sefid salim* / پرنده‌ای تقریباً به اندازه سار که در کنار دریا دیده می‌شود و بیشتر رنگ پرهای آن سفید می‌باشد. این پرنده دارای پاها و نوک بلند می‌باشد.

سفید کلاچ / *Sefid kalach* / کلاغ سفید، کلاغ پیر **سلیم** / *Salim* / پرنده‌ای که در کنار دریا و مرداب‌ها داخل بوته‌های تمشک لانه سازی می‌نماید و جزء پرندگان قابل شکار می‌باشد و دارای انواع مختلفی می‌باشد.

سلیم شکار / *Salim shekar* / شکار پرنده "سلیم" در کنار دریا و مرداب

سیاسیرت / *Sia seret* / توکای سیاه، "سیرت" سیاه رنگ که در زمستان در جلگه گیلان دیده می‌شود.

سیاکلاچ / *siaklach* / کلاغ

ملجا مورقونه / *Melja mourghoune* / تخم گنجشک

ملجا وچه / *Meljavache* / جوجه گنجشک

ملجه / *Melje* / گنجشک

میلوم خوره / *Miloum khoure* / گاوچرانک نوعی پرنده با نام علمی *Bubulcus ibis*

نشک / *Nashek* / پاشلک معمولی با نام علمی *Gallinago gallinago* پرنده‌ای از خانواده پاشلک که در مزارع برنج و حاشیه مرداب‌ها که بسیار سریع و به صورت زیگزاک‌ی پرواز می‌کند.

نفت جله / *Nafte jele*

کشیم کوچک با نام علمی *Tachybaptus ruficollis* یا اسفرود بی‌دم که در گیلکی به آن "نفته جیله" نیز گفته می‌شود. نوعی پرنده دریایی سیاه رنگ که در مناطق مردابی زندگی می‌کند.
نفته جیله / *Nafte jile* / مراجعه شود به "نفت جله".

واشک / *Vashek* / نوعی پرنده شکاری از تیره عقاب
واشک سلیم / *Vashek selim* / نوعی پرنده دریایی که شبیه پرنده "واشم" می‌باشد.

وشم / *Veshem* / بلدرچین

هچ هچه / *Hach hache* / پرستو

هف رنگه / *Hafrenge*

سهره طلایی با نام علمی *Carduelis tristis* پرنده‌ای کوچک جزو خانواده فنچ‌ها که رنگارنگ و شبیه گنجشک است. این پرنده در زمستان و پاییز در مناطق جلگه‌ای مشاهده می‌شود.

لغات و اصطلاح‌های مربوط به حیوانات اهلی

آخته / *Akhte* / حیوان عقیم شده (مانند اسب)

آخته گوتن / *Akhte gouten* / عقیم کردن حیوانات (مانند اسب)

اسب تنگ / *Asb teng* / تنگ اسب، تسمه‌ای از جنس کنف یا کتان که پالان و یا زین اسب را به بدن اسب محکم می‌کند.

کشکرت / *Keshkeret* / زاغی یا زاغی معمولی با نام علمی *Pica pica* پرنده‌ای از سرده زاغی‌ها و خانواده کلاغیان است.

کلاچ / *Kalach* / کلاغ با نام علمی *Corvus*.

کلاچ فک / *Kalach fak* / آشیانه کلاغ

کله سیاه بولبول / *Kale seya boulboul* / نوعی گنجشک که دارای سر تیره و سیاه می‌باشد.

کندیج ملجه / *Koundij melje* / گنجشک معمولی
کوکلاچ / *Kouklach* / سبزقبا با نام علمی *Coracias*

کوکه / *Kouke* / مراجعه شود به "شو جغد".

کولکافیس / *Koulkafis* / پرنده چرخ ریسک

کولی خوره / *Kouli khoure* / ماهی‌خورک کوچک با نام علمی *Alcedo pusilla* نام یک گونه از تیره ماهی‌خورک‌های رودخانه‌ای است. پرنده‌ای سبز رنگ دارای نوک بلند که در حاشیه رودخانه و مرداب‌ها از ماهی‌های کوچک تغذیه می‌کند.

گبر / *Gaber* / پرنده ابیا، پرنده‌ای به رنگ قهوه‌ای و سفید کم رنگ که پرواز آن بسیار با سرعت می‌باشد. این پرنده در فصل پاییز و زمستان در مناطقی از جلگه‌ای مشاهده می‌شود. منقار این پرنده بلند و با انحنای کمی به سمت پایین می‌باشد. این پرنده دارای دم کوتاه و بدن راه راه می‌باشد. غذای این پرنده از کرم‌ها و حشرات لابلای برگ‌ها و علف‌های کف زمین می‌باشد. پرنده‌ای بدون صدا می‌باشد و بر روی درختان اصلا دیده نمی‌شود.

گیلان شا / *Gilansha* / گیلان‌شاه معمولی با نام نام علمی *Numenius arquata* نوعی پرنده درازپا است که در تیره آبچلیکیان قرار می‌گیرد. پرنده‌ای رنگارنگ که دارای منقاری بلند می‌باشد و پرنده‌ای کنار آبچر است و در هنگام پرواز صدای مانند سوت زدن ایجاد می‌نماید.

لمبر / *Lambar*

پلیکان یا مرغان سقا خانواده‌ای از پرندگان آبری درشت جثه با نام علمی *Pelecanidae*. نوعی پرنده شبیه غاز که به صورت دسته جمعی پرواز می‌کنند. مشاهده این نوع پرنده در گیلان نشانه آغاز بارش برف و باران در پاییز و زمستان می‌باشد.

توربه / *Tourbe* / توربه، پوزه بند چهارپایان
تولوم / *Touloum* / گاو ماده آبستن نشده
جرند / *Jarand* / سرماخوردگی حیوانات به خصوص اسب
چلم / *Chalem* / کود حیوانی
چلم کو / *Chalem kou* / تپه ناشی از جمع کردن کود حیوانی
دساموج / *Dasamouj* / دست آموز، حیوان رام شده
دمتکان دن / *Doum toukoun dan* / رام شدن حیوانات
زشیر / *Zeshir* / شیر گاو یا گوسفند تازه زایمان کرده، شیر آغوز
سگ سیل / *Sag sil* / آب دهان سگ
سگ کونه / *Sag koute* / توله سگ، بچه سگ
سگ گی / *Sag gi* / مدفوع سگ
سگ لاب / *Sag lab* / پارس سگ
سوم ساب / *Soum sab* / فردی که سمها اسب را با سوهان می‌ساید.
سونده / *Sounde* / پهن گرد گوسفند و بز
سیا سگ / *S' sdhi vk'* / سگ سیاه
سیا ناک قاطر / *Sia nak ghater* / قاطر پیر، قاطری که از فرت پیری چانه‌های آن سیاه رنگ شده است. این گونه قاطر را کسی نمی‌خرد.
سیا ورزه / *Sia varze* / گاو نر سیاه
شکامادان / *Shekamadan* / آبستن کردن گاو و گوسفند و غیره
شکمایتن / *Shekamaiyten* / آبستن شدن گاو و گوسفند و غیره
شو تور / *Shoutour* / شتر
کرامیج / *Kramij* / گاو نر دوساله که برای شخم زدن مورد استفاده قرار می‌گرفت.
کل پیچه / *Kal piche* / گربه نر
کل ورزه / *Kal varze* / گاو نری که برای شخم زمین مورد استفاده قرار می‌گرفت
کلگه / *Kalge* / گاو نری که برای پرواربندی نگهداری می‌شود.
کهر / «شاشق» / بز نر دوساله، کل
کیشادان / *Kishadan* / تحریک سگ به حمله

اسب مرجون / *Asb morjon* / مهره‌هایی که بعضی چهارپاداران به گردن و یا روی پیشانی اسب و قاطر آویزان می‌کنند.
اسب می‌ره / *Asb mire* / مهره‌هایی که بعضی چهارپاداران به گردن و یا روی پیشانی اسب و قاطر آویزان می‌کنند.
آشکیل / *Ashkil* / بندی که به پای اسب و یا گاو بسته می‌شود تا قادر به پریدن از روی پرچین‌های چوبی نباشد.
آورک / *Ourak* / بستن حیوان (گاو یا اسب) به یک درخت و یا میخ چوبی فرو کرده در زمین برای محدود کردن منطقه چریدن و جلوگیری از فرار آنها
اولو / *Oulou* / گاو بی شاخ
اهل / *Ahl* / رام و مطیع (بیشتر برای حیوانات)
اهلاتن / *Ahlaten* / رام کردن (بیشتر برای حیوانات)
آغوز / *Aghouz* / شیر گاو و گوسفند در چند روز اول پس از زایمان
آفسار / *Afsar* / لگام اسب و یا قاطر
آفسار دکشن / *Afsar dakeshen* / کشیدن لگام اسب
برمسا اسب / *Bremesa asb* / اسب رمیده
بوز / *Bouz* / بز
بوز می‌لاخوند / *Bouzmi lakhound* / طنابی که از موی بز بافته شده باشد.
بوز وچه / *Bouz vache* / بزغاله
بهار زه / *Bahar zae* / بره‌ای که در فصل بهار متولد شده باشد.
پالان / *Paloun* / زین اسب، پالان
پشکل / *Peshkel* / سرگین اسب و قاطر، مدفوع اسب و قاطر
پئین / *Pein* / سرگین گاو و گوسفند، مدفوع گاو و گوسفند
تل‌مادان / *Tloumagan* / جفت گیری گاو ماده برای اولین بار
تلوم / *Tloum* / گوساله، گاوی که زایمان نکرده باشد
تنگ / *Teng* / تسمه چرمی و یا برزنتی که برای محکم کردن زین و پالان چهارپایان مورد استفاده قرار می‌گیرد.
تنگ دکشن / *Tengdakeshen* / محکم کردن تسمه نگهدارنده زین یا پالان چهارپایان

باقلا مار / *Baghal mar* / مار پیتلوس با نام علمی
Pseudopus apodus، نوعی مار زرد رنگ و بی آزار که از
حشرات تغذیه می‌کند. در گیلکب به این نوع مار " کر
مار " نیز گفته می‌شود.

بیل / *Khouk bil* / دو شاخ استخوانی روی بینی خوک که
با آن زمین را شخم می‌زند. اندازه این شاخ‌های استخوانی
تا ۲۰ سانتی متر هم در خوک‌های مسن می‌رسد.

پیچا کوته / *Picha koute* / بچه گربه
پیچاشال / *Shal piche* / که به " شال پیچه " هم
معروف است. گربه جنگلی.

پیچه / *Piche* / گربه

پیرکفتال / *Pirkaftal* / کفتار پیر

جیجار / *Jijar* / سوسمار

خرس کوته / *Kherse koute* / توله خرس، بچه خرس

خوک بیل / *Khouk bil* / دو شاخ استخوانی روی بینی
خوک که با آن زمین را شخم می‌زند. اندازه این شاخ‌های
استخوانی تا ۲۰ سانتی متر هم در خوک‌های مسن
می‌رسد.

خوک پایبی / *Khouk paei* / نگهبانی مزارع و باغات در
برابر حمله خوک

خوک کوله / *Khouk koule* / توله خوک

خوک گی / *Khouk gi* / مدفوع خوک

خونا مار / *Khouna mar* / مار خانگی به رنگ سیاه و ؛
طول ۱/۲۰ الی ۱/۵ متر.

دارشکول / *Dar shoukoul* / سنجاب درختی

دارقورباقه / *Dar ghourbaghae* / قورباقه درختی
قورباقه کوچک و سبز رنگ

دوم دراز / *Doumdraz* / مار

زربانکه / *Zarbanoukea*

اسوی کوهی با نام علمی *Mustela nivalis* نام یک گونه
از سرده راسو است. که به فارسی حیوان ذله کوچک
حیوان زربانو کوچک نیز نامیده می‌شود، پسوند "که" در
گیلکی پسوند تصغیر می‌باشد. حیوان گنج بانو کوچک
جانوری شبیه موش و دارای دندی دراز و باریک با گردنی
بلند با سر کوچک می‌باشد. این حیوان دارای پوزه کوتاه ؛
سبیل‌های کوچک می‌باشد. دارای دست و پاهای کوتاه ؛
انگشتان نسبتا بلند می‌باشد. این حیوان دارای دم کوتاهی

کیشکیشادان / *Kishkishadan* / تحریک سگ به حمله
گاب / *Gab* / گاو

گاب زور / *gab zour* / کود گاوی

گاوگوره / *Gav goure* / صدای گاو، بانگ گاو

گمچ شاق / *Ghamech shagh* / گاوی که دارای
شاخ‌های گرد و نیم دایره است.

گوسوند / *Gousound* / گوسفند

گوسوند گوشت / *gousound gousht* / گوشت گوسفند

گوسوند زور / *Gousound zour* / کود گوسفندی

گیل یابو / *Gil yabou* / اسب گیلانی که دارای قد کوتاه
و موی زیاد می‌باشد و اسبان بارکش در مناطق باتلاقی و
شالیزارها هستند.

گیله سگ / *Gile sag* / سگ گیلانی که رام و کوچک
می‌باشد.

لاب / *Lab* / پارس سگ

لاب گوتن / *Lab gouten* / پارس کردن سگ

ملی / *Mele* / سگ ماده

ملی سگ / *Mele sag* / سگ ماده

نیله / *Nile* / اسب کبود

وایتن / *Vayten* / فرار کردن حیوانات از دست صاحبش،
فرار کردن، چیزی را به زور تصاحب کردن

ورزا جنگ / *Varza jang* / مسابقه‌ای که در آن
"ورزه"ها به صورت جنگیدن با هم مسابقه می‌دهند.

ورزه / *Varze* / گاو نر

وره / *Vare* / بره، گوسفند

هیادان / *Heyadan* / روانه کردن حیوانات برای چرا،
رماندن حیوانات

یابو / *Yabou* / اسب بارکش

یامان / *Yaman* / بیماری نفخ شکم اسب

یاموتن / *Yamouten* / آموزش دادن به حیوانات مانند
اسب که اغلب همراه با خشونت می‌باشد.

یلاقی سگ / *Ylaghi sag* / سگ‌هایی بیلاقی و
کوهستانی که درشت اندام و درنده می‌باشند، سگ چوپان

لغات و اصطلاح‌های مربوط به حیوانات وحشی

آبلاکو / *Ablakou* / لاک پشت

مَتیَرِه / *Métier* / پوزه حیوانات مانند روباه، خرس و خوک و غیره
موش پین / *Moush pein* / فضله موش
موش سولاخ / *Moush soulakh* / سوراخ موش
موش لیک / *moush lik* / سوراخ موش
میلوم / *Miloum* / مار خانگی
ورگ / *Verd* / گرگ

لغات و اصطلاح‌های مربوط به حشرات

آبرشَم / *Abresham* / ابریشم
آجیکه / *Ajike* /
آجیکه / *Ajike* / رُش یا گاماروس ها ازسخت پوستان ناجورپا متعلق به خانواده *Gammaridae* می باشد. حشره‌ای نرم تن و آبری که در کنار ساحل در منتهی الیه موج دریا زندگی می‌کند و به عنوان یک طعمه در ماهی‌گیری از آن استفاده می‌شود. از این نرم تن مرغان آهکی برای خود ایجاد می‌نمایند که بعد از مرگ، صدف‌های کنار ساحل را تشکیل می‌دهند.
اسب مگز / *Asb magaz* / مگس درشتی که به دام می‌چسبد و خون را می‌مکد.
آکس / *Akas* / حشره‌های مودی
آب صاف کُنه / *absafkoune* / حشره‌ای که روی سطح آب به راحتی حرکت می‌کند و نام علمی آن *Hydrometra* می‌باشد.
آسمون بولبوله / *Asmoun boulboule* / سنجاقک آبی رنگ
برنج نه / *Baranj ne* / که به "نه" هم گفته می‌شود. شپشک برنج
بولبوله / *Boulboule* / سنجاقک
پَرپَرِه / *Parpare* / پروانه
پیت / *Pit* / بید، حشره بید، پوسیدگی درخت در اثر فعالیت قارچ یا حشرات. ظرف مایعات (نفت)، توخالی، دل پوسی درخت
پیتار / *Pitar* / مورچه
پیله / *Pile* / پیله‌های کرم ابریشم

است و دارای طول بدن ۱۳ الی ۲۸ سانتی متر می‌باشد. این حیوان از هر منفذی که سر آن بتواند داخل گردد الباقی بدن خود را به راحتی می‌تواند از آن منتقل نماید. کوچکترین حیوان گوشتخوار ایران است که فقط خون پرندگان اهلی را از ناحیه گردن می‌مکد.
زوکِه / *Zouke* / زوزه، ناله سگ و شغال و یا گرگ
شال / *Shal* / شغال
شال پیچه / *Shal piche* / که به "پیچاشال" هم معروف است. گربه جنگلی.
شال کوته / *Shal koute* / توله شغال
شال کول / *Shal koul* / تپه‌ای که شغال‌ها در شب روی آن جمع می‌شوند و زوزه می‌کشند.
شال میری / *Shal miri* / شغال مردگی
شکول / *shoukoul* / سنجابک یا اشگول با نام علمی *Glis glisa* از خانواده سنجابک‌ها (*Gliridae*).
شوپره / *Shoupare* / خُفّاش یا شَب‌کور، شب پره یا شب‌پرک با نام علمی *Corynorhinus* پستانداری از راسته خُفّاش‌سانان
فِرِه / *Fera* / جوجه‌تیغی با نام علمی *Atelerix*
کر مار / *Kar mar* / مراجعه شود به "باقلا مار".
کفتال شال / *Kaftal shal* / کفتار با نام علمی *Crocuta*.
کفتار شال / *Kaftar shal* / شغال پیر
کل خوک / *Kal khouk* / خوک نر، خوک قوی
کوروم / *Kouroum* / مراجعه شود به "باقلا مار".
کولوپ / *Kouloup* / مراجعه شود به "باقلا مار".
گرزآتله / *Gerzatal* / تله موش
گرزآوچه / *Gerzavache* / بچه موش
گرزه / *Gerze* / موش
گنجه گاو / *Ganj gav* / مارال یا گوزن قرمز یا گاو کوهی (*Cervus elaphus*)
لوپ / *Loup* / مراجعه شود به "باقلا مار".
لوپ مار / *Loup mar* / مار کر، نوعی مار زرد رنگ و بی‌آزار که از حشرات تغذیه می‌کند.
مار سولاخ / *mar soulakh* / سوراخ مار
مار لیک / *mar lik* / سوراخ مار
مار ملی / *Mar meli* / مار ماهی
مارخوس / *Mar khous* / مکان زندگی و اختفای مار

سيفتال فک / *Siftal fak* / لانه زنبور وحشی
شخ سبول / *Shakh souboul* / نوعی سوسک شاخدار
شوگز / *Shougaz* / پشه
عسل کندو / *Asel kandou* / کندوی عسل
عسل مگز / *Asel magaz* / زنبور عسل
عسل مگز غوشه / *Asel magaz ghoushe* / بچه زنبور
 عسل که بر روی شاخه‌ای آویزان باشد.
عسل میم / *Asel mim* / موم عسل
قورون خونه / *Ghouroun khoun* / نوعی پروانه
 رنگارنگ
کارتلوم / *Kartiuloum* / عنکبوت
کارتلوم فک / *Kartiuloum fak* / تار عنکبوت
کپیش / *Kapish* / حشره آبدزدک
کپیش لیک / *Kapish lik* / سوراخ حشره آبدزدک که
 باعث از دست رفتن آب جمع شده در یک کرت شالیزار
 می‌شود.
کلم / *Kelm* / کرم
کنه / *Kane* / حشره خونخوار که به دام می‌چسبد، زخم
 خشک شده
کولکه / *Koulke* / پيله ابریشمی که توسط پروانه سوراخ
 شده است و دارای الیاف کوتاه می‌باشد. این نوع پيله‌ها از
 نظر کیفیت بهت از پيله‌ها "لاس" می‌باشند.
کین سوکنه / *Kin soukoune* / کرم شب تاب
گاو مگز / *Gav magaz* / خر مگس، مگس بزرگ
گزن / *Gazen* / گزیدن، نیش زدن
گل جیک / *Geljik* / حشره آبدزدک
گل جیک بزار / *Geljik bazar* / بوته‌های برنجی که
 توسط حشره آبدزدک از بین رفته باشند.
گوگردانه / *Gougardane* / سرگین‌غلطانک، سوسک
 سرگین، حشره‌ای با نام علمی *Scarabaeus viettei* از
 راسته سخت بال پوشان Coleoptera که شبیه سوسک
 که مدفوع حیوانات را جمع کرده و به صورت عقب عقب
 می‌گرداند و در زیر خاک مدفون نموده و در داخل آن
 تخم گذاری می‌نماید که لارو آن به ریشه درختان آسیب
 وارد می‌کند.

تنسن / *Tanesen* / تنیدن و ساختن پيله توسط کرم
 ابریشم، تار تنیدن عنکبوت
جیک سبول / *Jik souboul* / سوسک سیاه رنگ و
 کوچک و جهنده، حشره زنجره
دوڈم / *Doudoum* / گوشخیزک، حشره‌ای که در
 مکان‌های سایه و مرطوب زندگی می‌کند و دارای دو دُم
 می‌باشد.
راب / *Rab* / حلزون
رشک / *Reshk* / لارو شپش
رکنه / *Rakene* / حشره‌ای بسیار کوچک که در اطراف
 آبیچرها و مزارع در زمان غروب و شب به صورت توده‌ای
 دور هم پرواز می‌کنند و با وزش باد پراکنده می‌شوند.
 هرچه تعداد این حشرات زیادتر باشد احتمال شروع
 بارندگی با شدت بیشتری وجود دارد.
زلزله / *Zelzela* / حشره زنجره، حشره‌ای به اندازه
 سوسک که قبل از دگردیسی به رنگ قهوه‌ای بوده و بعد
 از بارندگی از محل شفیره گی خود که در داخل خاک
 می‌باشد خارج شده و بعد از دگردیسی دارای پر برای
 پرواز بوده و رنگ آن سیاه رنگ می‌گردد و در گرمای روز
 بر روی درختان با صدای بلند آواز می‌خواند. فراوانی این
 حشره نشانه خشکسالی می‌باشد.
زلزله لیک / *Zelzela lik* / سوراخی که حشره "زلزله"
 یا زنجره بعد از دوره شفیرگی از آن بعد از بارندگی بیرون
 می‌آید
زولو / *Zoulou* / زالو، حشره‌ای به شکل کرم پهن که در
 مناطق باتلاقی و ماندابی و شالیزارها زندگی می‌کند و
 خون می‌مکد.
زیه گوتن / *Zeye gotten* / بچه دادن زنبور عسل
ساس خوره / *Sas khoure* / نوعی سوسک کشیده
سبج / *Sebej* / شپش
سبجکه / *Sebejke* / لارو شپش
سگ مگز / *Sag magaz* / مگس درشتی که به دام
 می‌چسبد و خون را می‌مکد.
سوبوجکه / *Souboujke* / شپشی که در بدن ماکیان به
 خصوص مرغ به عنوان انگل زندگی می‌کند و خون
 می‌مکد.
سوبول / *Souboul* / حشره کک
سيفتال / *Siftal* / زنبور وحشی

تنگه توادان / *Tangetovadan* / هدایت حیوانات به منطقه تنگ و محدود برای شکار یا زنده گیری

جرگه / *Jarge* / یک گروه از حیوانات شکاری مانند گوزن وغیره

خشته تله / *Kheshte tale* / تله خشتی، نوعی تله برای شکار پرندگان که در آن آجر روی گودالی قرار داده می‌شود و زیر آن مقداری گندم یا برنج ریخته شده و وقتی پرندگان (به خصوص گنجشک) به زیر آجر می‌روند با کشیدن طنابی خشت‌ها روی پرندگان می‌افتد و شکار می‌شوند.

دار دُوم / *Dar doum* / دامی که بین دو درخت بسته می‌شود و پرندگان با خوردن به آن می‌افتند و شکار می‌شوند.

دپیچار / *Depichar* / ملزومات سفر یا شکار

دَرشون / *Darshoun* / فرار کردن، در رفتن (بیشتر برای حیوانات)

دشتاکتن / *Dashtaketen* / آشکار شدن، پیدا شدن، بیرون آمدن از محل اختفا (بیشتر برای حیوانات)

دوخاله / *Dokhale* / چوبی به شکل V که برای ساختن "رزین" از آن استفاده می‌شود. در گیلکی به این نوع چوب "رزین دوخاله" نیز گفته می‌شود.

دیمایتن / *Deymayten* / نزدیک شدن به صورت کمین کرده به شکار

رزین / *Rezin* / نوعی تیروکمانی که از کش یا تیوب دوچرخه و چوب V شکل ("رزین دوخاله") برای پرت کردن سنگ به منظور شکار پرندگان ساخته می‌شود.

رزین چو / *Rezin chou* / چوب V شکل که از آن برای ساختن تیر و کمان ("رزین") استفاده می‌شود.

رزین دوخاله / *Rezin doukhale* / چوب V شکل که از آن برای ساختن تیر و کمان ("رزین") استفاده می‌شود.

رزین لنگه / *Rezin lenge* / بخش قابل ارتجاع و کشیدن در تیر و کمان که نیروی پرتاب سنگ را ایجاد می‌کند که دو لنگه می‌باشد و از یک طرف به دو شاخه V شکل "کر دوخاله" ("دوخاله") و از طرف دیگر به "هامپوسه" وصل می‌شود.

رمانن / *Ramanen* / رمانیدن حیوانات، فراری دادن حیوانات

لاس / *Las* / نوعی ابریشم که از پيله‌های ناقص کرم ابریشم ("شله") گرفته می‌شود و برای تولید لباس‌های ضخیم و زیر انداز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

لَل / *Lal* / پشه

لَل زَن / *Lal zan* / نیش زدن پشه

مگز / *Magaz* / مگس، زنبور عسل

مگز زیه / *Magaz zye* / بچه زنبور عسل

مگز کوندله / *Magaz koundole* / کندوی عسل

مگز موکول / *Magaz moukoul* / کندوی عسل

موکول / *moukoul* / کندوی عسل

میم / *Mim* / موم عسل

ن / *Ne* / شپشک برنج

نوغون / *Noughoun* / تخم پروانه کرم ابریشم

نه / ne / که به "برنج نه" هم گفته می‌شود. شپشک برنج

هف گز / *Hafgaz* / زنبور درشت به رنگ زرد و قرمز، زنبور وحشی درشت

لغات و اصطلاح‌های مربوط به شکار

آواره گوتن / *Avare gouten* / گم کردن

پَر پیچ / *Par pich* / پیچاندن پر پرندگان به هم برای جلوگیری از پرواز و فرار

پَرادان / *Paradan* / پرواز دادن، فراری دادن پرندگان

پرایتن / *Parayten* / پرواز کردن

پُرد تله / *Pourd tale* / شیوه‌ای از تله گذاری برای صید پرندگان

تَکاتن / *Takaten* / منتظر ماندن برای جدا شدن اردک‌های وحشی از اردک‌های اهلی برای شکار کردن در استخر شکار

تَله مار / *Talamar* / نوعی دام که برای صید پرندگان استفاده می‌شود و از ترکه‌های چوب ساخته می‌شود.

تنگادان / *Tengadan* / هدایت کردن حیوانات به منطقه تنگ و باریک و محدود برای شکار یا گرفتن

تنگوم / *Tengoum* / تنگه، مسیر تنگ و باریک

تنگه / *Tenge* / مسیری که تنگ و باریک باشد و با هدایت حیوانات به آن منطقه قابل شکار و زنده گیری می‌باشند.

تخم و تشک / *Toukhm o teshk* / تخم و هسته، ایل و تبار

توته / *Toute* / آوایی که برای فراری دادن گربه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

توک / *Touk* / نوک پرندگان

جا / *Ja* / آشیانه

جوفت / *Jouft* / جفت، حیوانات نر و ماده

چپ چپ زن / *Chap chap zan* / آواز خواندن بلبل

چرسن / *Charesen* / چریدن علف توسط حیوانات

چره واش / *Char vash* / نوعی علف بلند که حیوانات تمایل زیادی به چریدن آن دارند.

چیک / *Chik* / چنگ، پنجه حیوانات گوشتخوار

چیک و پر / *Chikopar* / انگشتان و بال پرندگان

چیک و پرزن / *Chikoparzan* / حرکات بعد از ذبح پرندگان، تلاش مذبحخانه

داغ گوتن / *Dagh gouten* / گذاشتن اثر یک فلز داغ بر روی حیوانات

دل بند شکم / *Del band shekam* / اعماء و احشاء حیوانات

دل بند شکم زن / *Del band shekam zan* / اعماء و احشاء حیوانات را بیرون آوردن

دل شکم زن / *Del shekam zan* / پاره کردن شکم ماهی و مرغ و غیره برای خارج کردن دل و روده و غیره.

دنیا همان / *Dounyahaman* / متولد شدن

دوم / *Doum* / دم حیوانات

دوم زن / *Doum zan* / حرکت دادن دم حیوانات

دونه شوندن / *Doune shounden* / ریختن دان برای پرندگان، بذر پاشیدن

رومه / *Roume* / رومه حیوانات، دسته حیوانات، گله حیوانات

زال ترکسن / *Zal tarkesen* / ترکیدن کیسه صفرا به دلیل ترس خوردن که باعث مرگ حیوانات می‌شود.

شاره / *Share* / چربی داخل بدن حیوانات، چربی داخل شکم و اطراف روده گاو و گوسفند.

شرط کن خاش / *Shart koun khash* / استخوان V

شکل سینه مرغ و پرندگان

فک / *Fak* / آشیانه پرندگان

سبکه دن / *Sike dan* / زمانی که یک دسته مرغابی وحشی از روی آبگیر درست شده برای شکار ("نما خال") در ارتفاع بالا در حال عبور می‌باشد، برای اینکه ترغیب به نشستن در "نما خال" گردند شکارچیان چندین مرغ آبی اهلی را به هوا پرتاب می‌نمایند که با کمی پرواز در "نماخال" می‌شنینند که به این کار "سبکه دن" گویند.

قروق شکسن / *Ghourogh shekesen* / شکستن فرق، اجازه شکار و بهره‌برداری درختان جنگل را دادن

گل سری / *Gel sari* / پرواز پرندگان با ارتفاع کم و نزدیک به سطح زمین

گیتن / *Giten* / گرفتن

گیر دکتن / *Gir daketen* / به دام افتادن

نما خال / *Nemakhal* / آبگیری که بعد از درو برنج و در فصول پاییز و زمستان در یک کرت بزرگ از شالیزار در وسط مزارع گسترده برای جذب پرندگان شکاری مهاجر توسط صیادان درست می‌گردد و در فصول کشت در آن برنج نشا می‌شود.

واوز خوردن / *Vavouz khourden* / تله‌ای که بدون شکار کردن از حالت آماده بودن برای شکار خارج شده است.

ویریتن / *Viriten* / فرار کردن حیوانات

ویريجانن / *Virijanen* / فراری دادن

هامپوسه / *Hampouse* / وسیله‌ای چرمی که در "رزین" برای گذاشتن سنگ برای پرتاب استفاده می‌شود.

هی یاتن / *Hey yaten* / فراری دادن حیوانات، رم دادن حیوانات

لغات و اصطلاح‌های مربوط به سایر موارد مرتبط با جانوران

بال زن / *Bal zan* / پرواز کردن پرندگان

بچه / *Beche* / زاییده شده

بوک / *Bouk* / پوزه

پا به ماه / *Pa be mah* / موجود زنده آبستن که ماه زاییدنش باشد.

پا چاله / *Pa chale* / گودی و ردپای موجودات زنده بر روی خاک‌های مرطوب و یا شن

پا مفر / *Pa maghar* / ردپا

پی / *Pi* / چربی

ویژه‌های را مورد استفاده قرار می‌دهند. این اصطلاحات تخصصی و بومی منطقه بی بالان هرچند که تاکنون به صورت مکتوب ثبت نشده‌اند، ولی از نظر تمامی گویشوران این اصطلاحات منتقل کننده مفهوم منحصر به فرد برای آن کاربرد مد نظر می‌باشد.

بر اساس مطالب ذکر شده یکی از بخش‌های غیر قابل تفکیک زندگی روستایی استفاده از پرندگان، جانوران (وحشی یا اهلی) می‌باشد و از طرفی نیز از تحت تاثیر اثرات مخرب و یا تولیدی حشرات نیز قرار می‌گیرند که به فراخور چگونگی ارتباط با آنها و نیز میزان کاربری و استفاده هریک از اجزای جانوری پیرامون اقدام به استفاده از اصطلاح‌های ویژه برای توصیف آنها نموده اند و به صورت غیر مکتوب از یک نسل به نسل دیگر به صورت شفاهی و سینه به سینه منتقل شده است. این نوع دانش بومی در صورت ثبت و انتشار به صورت مطالعات علمی و تخصصی نه تنها در از بین رفتن و به فراموشی سپردن آنها در عصر حاضر که نسل جدید علاقه بیشتری به گویش غیر زبان مادری و محلی خود می‌باشند، جلوگیری می‌کند، بلکه حتی می‌تواند در بسیاری از موارد در معادل سازی اصطلاحات علمی زبان‌های دیگر به کمک متخصصین امر آمده و با استفاده از این اصطلاحات بومی در هر چه غنی‌تر شدن دامنه لغات زبان تخصصی فارسی به عنوان زبان رسمی و ملی کشور گردد.

تقدیر و تشکر

نویسندگان این مقاله مراتب قدردانی خود را از تمامی دست اندرکارانی که امکان انجام این تحقیق را برای مولفین ایجاد نمودند اعلام می‌نمایند.

1. Zeder, M.A., Arter, S.R., 1994. Changing patterns of animal utilization at ancient gordion. *Paléorient Année 20(2)*: 105-118.
2. Talaei, H., Norallahy, A., Firouzmandi Shireh-jin, B., 2014. Ethnoarchaeology of Nomadism and Tribe Ways in the West of Central Zagros. *MJSS 6 (2)*: 163-195. [in Persian]

گبتر نشین / *Kabtar neshin* / محلی در شیروانی منازل برای دسترسی به شیروانی برای برف روبی
کل کوته / *Kal koute* / تعداد زیاد توله‌های سگ
کوت / *Kout* / سنگدان مرغ
کوته / *Koute* / توله، توله حیوانات، توله سگ
میرایی / *Miraei* / مرگ و میر حیوانات در اثر شیوع بیماری واگیر
نوشخوار / *Noushkhhar* / نشخوار حیوانات مانند گاو و گوسفند و غیره
واز و فترک / *Vazo feterk* / جست زدن و پریدن حیوانات

در این مطالعه مشخص گردید که ساکنان این منطقه برای حیوانات مختلف و همچنین شیوه‌ها و شکل‌ها و نیز ادوات مورد استفاده در شکار از اصطلاحات خاص و گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌دهند که بسیاری از این اصطلاحات به نوعی ریشه در منطقه زیست این گویشوران دارد. جانوران و موجودات زنده غیر گیاهی مورد استفاده به صورت سنتی در بخش‌های "پرندگان اهلی"، "پرندگان وحشی"، "پستانداران اهلی"، "پستانداران وحشی"، "حشرات"، "شکار" و "سایر موارد مرتبط با پستانداران" دسته بندی گردید که هریک از این دسته‌ها به ترتیب ۴۱، ۸۷، ۷۴، ۱، ۶۳، ۳۲ و ۳۹ اصطلاح تخصصی جمع آوری گردید.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ساکنان دهستان بی‌بالان از حیوانات و پرندگان به شکل‌های مختلف مانند سوری، باربری، تولید لبنیات و دیگر موارد، بهره‌برداری و استفاده می‌کنند و برای هر کدام از این کاربری‌ها اصطلاح

منابع مورد استفاده

3. Karimpour, F., Takhrouni, F., Ghaderi, S., 2019. Analysis of traditional method of using musk in processing and storage of Rachel dairy product and investigation of its microbial fluorosis. *Innovation in Food Science and Technology 11 (1)*: 11-20. [in Persian]
4. Barani, H., 2006. Knowledge (A case study of specialized concepts of range management among

- herders of Eastern Alborz). *Social Sciences* 13(34,35): 13-40. [in Persian]
5. Joudi, L., Bibalani, Gh. H., 2010. Exploration of medicinal species of Fabaceae, Lamiaceae and Asteraceae families in Ilkhji region, Eastern Azerbaijan Province (North western Iran). *Journal of Medicinal plants Research* 4(11): 1081-1084.
6. Habibi Bibalani, G., Mohamadpour, P., Mosazaded SayadMahaleh, F., 2019. Local name of some trees in Gilan province. *Iranian Journal of Biological Sciences* 14(3): 1-13. [in Persian]
7. Frozandeh, M., Heshmati, G., Barani, H., 2017. Investigation of indigenous knowledge for identification and classification of environmental elements to improve rangeland management (Case Study: Nomads of Dilegan in Kohgiloie and Boirahmad Province). *Indigenous Knowledge* 4(7): 33-72. [in Persian]
8. Habibi Bibalani, G., Mohamadpour, P., Mosazaded SayadMahaleh, F., 2019. Local and native names Aceraceae, Hamamelidaceae, Leguminosae, Fabales, Betulaceae, Ebenaceae, Fagaceae, Buxaceae, Juglandaceae trees in Iran. *Applied Biology*. In press. [in Persian]
9. Kiyasi, Y., Forouzeh, M., Mirdeilami, S., Niknahad, H., 2019. Ethnobotany of edible, medicinal and industrial plant species in Khosh Yeylagh Rangeland, Golestan province. *Indigenous Knowledge* 6(11):151-204 [in Persian]
10. Asgari, N. (2015). Botanical knowledge of Local Plants among Animal Farmers of Zavardasht in Alamut. *Social Sciences*, 21(67), 205-241. [in Persian]
11. Bibalani, Gh. H., Mosazadeh-Sayadmahaleh, F., 2011. Recognition and consumption uses and medicinal properties of sour orange (*Citrus aurantium*) by rural people in East part of Gilan Province (North Iran). *Journal of Medicinal Plants Research* 5(7): 1238-1243.
12. Bibalani, Gh. H., Mosazadeh-Sayadmahaleh, F., 2012. Medicinal benefits and usage of medlar (*Mespilus germanica*) in Gilan Province (Roudsar District), Iran. *Journal of Medicinal Plants Research* 6(7): 1155-1159.
13. Soutoudeh, M., (2016). Gilaki Dictionary, Ilia Culture, Rasht, Iran, pp. 330. [in Persian]
14. Mouradian Garousi, A., 2016. Gilaki Bousar Dictionary. Ilia Culture, Rasht, Iran, pp. 221. [in Persian]
15. Mozafari, S.R., 2020. Gilaki Rankouh Dictionary. Ilia Culture, Rasht, Iran, pp. 433. [in Persian]
16. Nousrati Siamazgi, A., 2017. Taleshi Dictionary. Ilia Culture, Rasht, Iran, pp. 279. [in Persian]
17. Yousef Nezhad, A., Sabzalipour, J., 2017. Tati Karnaghi Dictionary. Ilia Culture, Rasht, Iran, pp. 270. [in Persian]
18. Bourhani Nia, K., 2007. Tati Rudbari Dictionary, Ilia Culture, Rasht, Iran, pp. 368. [in Persian]
19. Sabzalipour, J., 2011. Tati Dictionary, Ilia Culture, Rasht, Iran, pp. 425. [in Persian]
20. Ashouri, A., 2014. Endangered and protected birds in Gilan province. *Katibeh Gil Press, Gilan*, pp. 106.
21. Ashouri, A.; Addous, A., 2012. Important wetland habitats of Guilan aquatic birds. *Katibeh Gil Press, Gilan*, pp. 260.
22. Kabouli, M., Aliabadian, M., Tohidifar, M., Hashemi, A.R., Mosavi, S.B., Rouzlar, K., Hasanzadeh Kiaei, B., 2016. Atlas Birds of Iran, Karazmi Jihad Daneshgahi Press, Tehran, pp. 628.
23. Agricultural Jihad Organization of Guilan Province. (2014). *Agricultural Statistics and Information Center*. [in Persian]
24. Statistical Yearbook of Gilan province, 2011. Gilan province management and planning organization. [in Persian]
25. National Statistics Center of Iran, 2020. Map of BiBalan village. Iran Statistics Portal. amar.org.ir [in Persian]